



ساختار و عملکرد نهادهای خیریه

دکتر سیدرضا حسینی
دکتر مصطفی کاظمی نجف آبادی

پاییز ۱۴۰۱

حسینی، سیدرضا، ۱۳۴۲ -
ساختار و عملکرد نهادهای خیریه / سیدرضا حسینی، مصطفی کاظمی نجف‌آبادی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و
پژوهشکده وقف و امور خیریه، ۱۴۰۱.
دوازده، ۲۵۰ص: جدول- (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۶۳۸: اقتصاد: ۴۵)
ISBN: 978-600-298-353-4
بها: ۹۱۵۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه، ص. [۲۴۰-۲۴۷]: همچنین به‌صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. خیریه -- ایران. ۲. Charities -- Iran. ۳. خیریه--ایران--جنبه‌های اجتماعی. ۴. Charities -- Iran -- Social aspects.
۵. سازمان‌های غیرانتفاعی--ایران. ۶. Nonprofit organizations--Iran. ۷. سازمان‌های غیرانتفاعی.
۸. Nonprofit organizations. الف. کاظمی، مصطفی، ۱۳۵۹- ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
H۷۴۰
۳۶۱/۷
شماره کتابشناسی ملی
۸۹۶۴۹۴۶

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.



ساختار و عملکرد نهادهای خیریه

مؤلفان: دکتر سیدرضا حسینی و دکتر مصطفی کاظمی نجف‌آبادی (اعضای هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ناشران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشکده وقف و امور خیریه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۱

تعداد: ۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۹۱۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و پژوهشکده وقف و امور خیریه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <http://rihu.ac.ir/fa/book>

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن ناشران

امروزه با کاهش نقش دولت‌ها و افزایش تدریجی قدرت مردم در اقتصاد با افزایش خصوصی‌سازی انتظار می‌رود که تعداد ثروتمندان به سرعت گسترش یابد و نهاد وقف و خیریه بار دیگر جایگاه خود را در تأمین انگیزه‌های انسان‌دوستانه، فقیرنوازانه، علم‌پرورانه و دین‌مدارانه پیدا کند. بخش خیریه در سطح جهانی به صورت روزافزونی در حال گسترش است و کارکردهای چشمگیری در کاهش آسیب‌های اجتماعی و توسعه اجتماعی کشورها ایفا می‌کند. بخش خیریه اگرچه در تمامی کشورها دارای ریشه‌های تاریخی کهن می‌باشد، ولی این بخش به عنوان یک عنصر از نظامات اجتماعی-اقتصادی معاصر، در کنار بخش‌های خصوصی و دولتی، بخشی نوپا و رو به رشد محسوب می‌شود و ظرفیت‌های زیادی برای توسعه آن وجود دارد. مقایسه رتبه بین‌المللی کشورهای اسلامی با کشورهای اروپایی و آمریکا حاکی از پایین بودن استقبال مردم کشورهای اسلامی از سازمان‌های جامعه مدنی و مؤسسات رسمی خیریه است. یکی از دلایل این تفاوت پایین بودن میزان شفافیت اطلاعات این سازمان‌ها در کشورهای اسلامی است. البته ویژگی‌های فرهنگی و ساختار انگیزشی اهداکنندگان در کشورهای اسلامی نیز در این مقایسه باید در نظر گرفته شود. در دو دهه گذشته دانشگاه‌ها و مراکز تخصصی مطالعات خیریه با رویکرد بین‌رشته‌ای گسترش یافته‌اند. این مراکز تخصصی تأثیر بسیار زیادی را بر افزایش اثربخشی و حرفه‌ای شدن بخش خیریه کشورها داشته‌اند. یکی از عوامل مؤثر بر توسعه بخش خیریه، وجود یک متولی مشخص، و یک قانون واحد برای تمامی سازمان‌های خیریه در کشور، و جدیت در اعمال آن قانون به صورت عادلانه برای همه سازمان‌های خیریه است.

سه

شواهد تاریخی موجود از صدر اسلام، در زمینه کیفیت عرضه و تقاضای وجوه خیر در بخش خیریه، همچنین توصیفات روایات از کیفیت عرضه و تقاضای بخش خیریه در عصر مهدویت، حاکی از این است که وضعیت موجود کشور، فاصله بسیار زیادی با وضعیت مطلوب ترسیم شده در حوزه خیرخواهی دارد؛ زیرا در وضعیت مطلوب، به برابری عرضه و تقاضای وجوه خیر اکتفا نشده، بلکه باید وضعیتی وجود داشته باشد که عرضه وجوه خیر از تقاضای آن افزون تر باشد. این وضعیت، وضعیتی آرمانی و دست نیافتنی نیست؛ زیرا تجربه صدر اسلام، گواهی صادق بر محقق شدن این وضعیت در جامعه اسلامی است.

شواهد تجربی در ایران حاکی از آن است که بخش خیریه فاصله زیادی با این هدف آرمانی دارد. نهادهای خیریه مهم اعم از دولتی، شبه دولتی و مردمی اگرچه دارای نقاط قوتی هستند و از فرصت‌هایی نیز برخوردارند لیکن هنوز نتوانسته‌اند که با استفاده از این نقاط ایجابی، از نقاط ضعف خود کاسته و تهدیدها را به فرصت تبدیل نمایند. این تحقیق درصدد است تا با شناسایی این نقاط چهارگانه (قوت، ضعف، تهدید، فرصت)، به‌طور روشمند راهکارهایی را برای ارتقای بخش خیریه کشف نموده و به تأیید خبرگان برساند. از این‌رو، «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «پژوهشکده وقف و امور خیریه» برای نیل به هدف یادشده، دومین کار مشترک خود را با عنوان «ساختار و عملکرد نهادهای خیریه» به جامعه علمی تقدیم می‌کنند.

این کتاب افزون بر اینکه می‌تواند راهنمایی جهت عملکرد بهتر نهادهای خیریه باشد می‌تواند به‌عنوان منبع درسی و کمک‌درسی برای دانشجویان رشته‌های مرتبط با وقف و امور خیریه قرار گیرد. امید است که مورد عنایت استادان و صاحب‌نظران قرار گیرد و با پیشنهادهای اصلاحی و راهگشای خود ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

در پایان، لازم می‌دانیم از نگارندگان گرامی اثر آقایان دکتر سیدرضا حسینی و دکتر مصطفی کاظمی نجف‌آبادی و نیز ارزیابان محترم اثر، دکتر حسین قشقایی و دکتر مهدی طغیانی سپاسگزاری کنیم.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پژوهشکده وقف و امور خیریه

چهار

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱	مقدمه
۳	بررسی و آسیب‌شناسی نهادهای خیریه کش
۳	وضعیت کلی بخش خیریه در ایران
۵	استفاده از تکنیک SWOT
۶	ضریب نسبی روایی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI)
۷	پیشینه بحث
۱۰	مفاهیم اساسی
۱۰	ساختار
۱۲	بخش غیرانتفاعی
۱۲	مؤسسات خیریه
۱۳	بنیاد خیریه
۱۳	تراست
۱۴	اندومننت
۱۵	تکافل اجتماعی
۱۷	انفاق
۱۸	اثر
۱۸	فصول تحقیق
۲۰	خلاصه فصل اول

فصل دوم: ادبیات نظری تحقیق

۲۱	سازمان‌های غیرانتفاعی
۲۲	حجم و گستره فعالیت‌های غیرانتفاعی در جهان

پنج

۲۵	تئوری سالامون و آناهیر در بخش خیریه.....
۲۷	تأثیر حمایت‌های دولت بر بخش خیریه در کشورهای مختلف.....
۲۸	تأثیر مشوق‌های مالی بر بخش خیریه در کشورهای مختلف.....
۲۹	تأثیر دین بر بخش خیریه در کشورهای مختلف.....
۳۱	رویکردها و روش‌های مدرن جذب کمک‌های خیریه.....
۳۶	راهبرد در سازمان‌های خیریه.....
۳۷	جایگاه‌یابی استراتژیک در سازمان‌های خیریه.....
۳۸	فعالیت جایگاه‌یابی در سطح سازمان.....
۳۹	عناصر تشکیل دهنده استراتژی جایگاه‌یابی.....
۴۲	خلاصه فصل دوم.....

فصل سوم: بخش خیریه در سطح بین‌المللی

۴۳	مقدمه.....
۴۴	وضعیت کلی بخش خیریه در کشورهای منتخب.....
۴۹	ساختار بخش غیرانتفاعی در کشورهای منتخب.....
۵۳	اندازه و گستره بخش غیرانتفاعی در کشورهای منتخب.....
۵۸	سیاست‌های دولت در بخش غیرانتفاعی کشورهای منتخب.....
۶۰	مقررات بخش غیرانتفاعی در کشورهای منتخب.....
۶۴	نقش دین در خیریه.....
۶۶	وضعیت نسبی بخشش فردی و بخشش از طریق سازمان‌های جامعه مدنی (CSOs).....
۶۸	تخصص‌گرایی در روش‌های جذب سرمایه برای امور خیریه.....
۷۰	منابع تخصصی در بخش خیریه.....
۷۲	چالش‌های بخش خیریه.....
۷۵	خلاصه فصل سوم.....

فصل چهارم: بخش خیریه در ایران

۷۷	مقدمه.....
۷۷	وضعیت مطلوب به لحاظ کیفی.....
۷۸	اخلاص در نیت.....
۷۸	رعایت عزت نفس و کرامت نیازمندان.....
۷۹	رعایت پاکیزگی و پاکدستی.....
۷۹	وضعیت مطلوب به لحاظ کمی.....
۸۲	وضعیت موجود عرضه و تقاضای وجوه خیریه در کشور.....
۸۲	الف) عرضه وجوه خیر.....
۸۳	ب) تقاضای وجوه خیر.....

شش

۸۶	نهادهای حمایتی دولتی
۸۶	بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان امام خمینی <small>علیه السلام</small>
۸۷	سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها
۸۸	معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم کشور
۸۹	سازمان بهزیستی
۹۰	دفتر امور حمایتی و توانمندسازی سازمان تعاون کار و رفاه اجتماعی
۹۱	معاونت امور سازمان‌های مردم‌نهاد وزارت کشور
۹۲	نهادهای حمایتی شبه‌دولتی
۹۳	کمیته امداد امام خمینی <small>علیه السلام</small>
۹۳	بنیاد شهید
۹۵	بنیاد علوی
۹۵	شعب خارج ایران
۹۶	شعبه داخل ایران
۹۷	نهادهای حمایتی مردمی
۹۸	جامعه نیکوکاری ابرار
۱۰۰	مؤسسه خیریه محک
۱۰۲	مؤسسه حمایت از مستمندان تبریز
۱۰۳	مؤسسه خیریه کهریزک
۱۰۴	مؤسسه خیریه امام علی <small>علیه السلام</small>
۱۰۵	انجمن خیرین مدرسه‌ساز
۱۰۶	انجمن خیرین مسکن‌ساز (حساب ۱۰۰ امام خمینی)
۱۰۷	انجمن خیرین بخش سلامت
۱۰۸	مجموعه نهادهای تسهیل بخش در حوزه خیرخواهی
۱۱۱	تعداد سمن‌ها و خیریه‌های کشور به تفکیک موضوع
۱۱۲	خدمات‌رسانی در حوزه خیرخواهی
۱۱۴	خلاصه فصل چهارم

فصل پنجم: آسیب‌شناسی بخش خیریه ایران

۱۱۷	مقدمه
۱۱۹	نقاط قوت نهادهای خیریه S
۱۲۰	در اختیار داشتن برخی بانک‌های اطلاعاتی از خیرین و نیازمندان
۱۲۱	قدرت ایجاد انگیزه و توانایی جذب منابع از خیرین
۱۲۱	وجود منابع و زیرساخت‌های فیزیکی فراوان در نهادهای خیریه
۱۲۲	بهره‌مندی از نیروهای داوطلب مردمی
۱۲۲	وجود برخی نهادهای سامان‌دهنده به نهادهای خیریه

هفت

۱۲۳	چابک بودن ساختار اداری نهادهای خیریه
۱۲۴	نقاط ضعف نهادهای خیریه W
۱۲۶	عدم اتصال شبکه‌ای خیریه‌ها با یکدیگر
۱۲۶	نبود بانک جامع اطلاعاتی
۱۲۷	نبود شفافیت مالی
۱۲۸	موازی کاری در نهادهای خیریه
۱۲۸	محدودیت منابع مالی و ضعف شیوه‌های تأمین مالی
۱۲۹	تخصیص غیر بهینه کمک‌ها و رعایت نکردن اولویت نیازها
۱۳۰	نبود مهارت‌های تخصصی کارکنان خیریه‌ها
۱۳۱	سوءاستفاده‌هایی از عناوین امور خیریه
۱۳۲	فرصت‌های نهادهای خیریه
۱۳۳	وجود ساختارها و مناسبت‌های مذهبی
۱۳۴	وجود فرهنگ نیکوکاری و مبنای انگیزشی دینی مستحکم
۱۳۴	حاکمیت دولت اسلامی و نگاه مثبت آن به امور خیریه
۱۳۵	پیشرفت فناوری آمار و اطلاعات و بانکداری الکترونیک
۱۳۶	وجود فضای مناسب بین‌المللی در امور خیرخواهانه
۱۳۷	تهدیدهای نهادهای خیریه
۱۳۹	نبود توجه کافی به پیامدهای سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی بر نابسامانی‌های اجتماعی
۱۳۹	ضعف اعتماد عمومی به مؤسسات خیریه
۱۴۰	نبود قوانین مدون و شفاف
۱۴۱	ضعف نظارت بر عملکرد نهادهای خیریه
۱۴۱	ضعف سیاست‌های حمایتی دولت از بخش خیریه
۱۴۲	پیامدهای منفی تغییر ساختار جمعیتی (افزایش جمعیت سالمندی و زنان سرپرست خانوار و...)
۱۴۲	تحلیل نتایج با تکنیک SWOT
۱۴۵	خلاصه فصل پنجم
۱۴۵	قوت‌ها
۱۴۵	ضعف‌ها
۱۴۵	فرصت‌ها
۱۴۶	تهدیدها
۱۴۶	نتایج جدول SWOT

فصل ششم: راهبردها و راهکارهای ارتقای بخش خیریه

۱۴۷	مقدمه
۱۴۹	راهبرد ST: توسعه فرهنگی و مدیریتی در بخش خیرخواهی کشور
۱۵۰	راهکار اول ST: تقویت ویژگی‌های تسهیل‌کننده در گفتمان قرآنی

۱۵۱	ترویج باور به مالکیت اصیل خداوند
۱۵۲	تقویت روحیه معادباوری
۱۵۲	تقویت کرامت نفس
۱۵۲	ترویج روحیه نترسیدن از فقر و فلاکت
۱۵۳	ترویج باور آزمایش بودن فقیر
۱۵۳	راهکار دوم ST: توسعه دادن بخش خیریه
۱۵۳	حرفه‌ای کردن بخش خیریه
۱۵۴	راهکار سوم ST : بهبودبخشی به کیفیت تخصیص وجوه خیرخواهانه
۱۵۵	فراهم آوردن امکان مدیریت تخصیص وجوه توسط نیکوکار
۱۵۵	فراهم آوردن امکان نظارت توسط نیکوکار
۱۵۶	فراهم آوردن امکان مشاهده اثربخشی
۱۵۶	کاهش هزینه‌های تحقیق، راستی‌آزمایی و اداری
۱۵۷	رعایت اولویت‌ها و ضرورت‌ها در بخشش
۱۵۷	تخصیص وجوه خیرخواهانه به بخشش‌های مدام و مستمر
۱۵۸	تنوع‌آفرینی در منابع تأمین مالی
۱۵۸	راهکار چهارم ST: بهبودبخشی به کیفیت جمع‌آوری وجوه خیرخواهانه
۱۵۹	گسترش تبلیغات و تهییج انگیزه‌ها
۱۵۹	تخصیص و پرداخت تسهیلات و خدمات مختلف برای بخشش
۱۶۰	تنوع‌بخشی به شیوه‌های ترغیب به بخشش
۱۶۰	کاهش هزینه‌های عملیات اجرایی
۱۶۱	راهبرد WO: نهادسازی بخش‌های حاکمیتی امور خیریه با رویکرد شبکه‌ای
۱۶۲	راهکار اول wo: ضرورت ایجاد عنصر سیاست‌گذار در شبکه ملی
۱۶۵	راهکار دوم wo: ضرورت ایجاد عنصر تنظیم‌گر (قانون‌گذار) در شبکه ملی
۱۶۶	راهکار سوم wo: ضرورت ایجاد عنصر نظارت‌گر در شبکه ملی
۱۶۸	راهبرد SO: نهادسازی بخش‌های مردمی امور خیریه با رویکرد شبکه‌ای
۱۶۹	راهکار اول so: ضرورت ایجاد عنصر فرهنگ‌ساز در شبکه ملی
۱۷۳	راهکار دوم so: ضرورت ایجاد عنصر آموزش در شبکه ملی
۱۷۴	راهکار سوم so: ضرورت ایجاد عنصر تسهیل‌گر در شبکه ملی
۱۷۶	راهکار چهارم so: ضرورت ایجاد عنصر خدمت‌رسان در شبکه ملی
۱۷۸	راهکار پنجم so: ضرورت ارتقای عملکرد کنشگران فردی در شبکه ملی
۱۷۹	راهبرد WT: شبکه‌سازی مؤسسات خیریه
۱۸۱	راهکار WT: انسجام‌بخشی به نهادهای خیریه و تشکیل سامانه ملی نهادهای خیریه
۱۸۲	خلاصه فصل ششم

فصل هفتم: خلاصه

۱۸۷ خلاصه مطالب فصل اول
۱۸۷ خلاصه مطالب فصل دوم
۱۸۸ خلاصه مطالب فصل سوم
۱۹۰ خلاصه مطالب فصل چهارم
۱۹۲ خلاصه مطالب فصل پنجم
۱۹۲ قوت‌ها
۱۹۲ ضعف‌ها
۱۹۲ فرصت‌ها
۱۹۳ تهدیدها
۱۹۳ نتایج جدول SWOT
۱۹۳ خلاصه مطالب فصل ششم
۱۹۴ راهبرد اول ST: توسعه فرهنگی و مدیریتی در بخش خیرخواهی کشور
۱۹۴ راهکار اول: گفت‌وگو سازی انفاق قرآنی
۱۹۴ راهکار دوم: توسعه بخش خیریه با حرفه‌ای کردن آن
۱۹۴ راهکار سوم: بهبود بخشی به کیفیت تخصیص وجوه خیرخواهانه
۱۹۵ راهکار چهارم: بهبود بخشی به کیفیت جمع‌آوری وجوه خیرخواهانه
۱۹۵ راهبرد WO: نهادسازی بخش‌های حاکمیتی امور خیریه با رویکرد شبکه‌ای
۱۹۵ راهکار اول: ایجاد عنصر سیاست‌گذار در شبکه ملی
۱۹۵ راهکار دوم: ایجاد عنصر تنظیم‌گر (قانون‌گذار) در شبکه ملی
۱۹۶ راهکار سوم: ایجاد عنصر نظارت‌گر در شبکه ملی
۱۹۶ راهبرد SO: نهادسازی بخش‌های مردمی امور خیریه با رویکرد شبکه‌ای
۱۹۶ راهکار اول: ضرورت ایجاد عنصر فرهنگ‌ساز در شبکه ملی
۱۹۶ راهکار دوم: ضرورت ایجاد عنصر آموزش در شبکه ملی
۱۹۶ راهکار سوم: ضرورت ایجاد عنصر تسهیل‌گر در شبکه ملی
۱۹۷ راهکار چهارم: ضرورت ایجاد عنصر خدمت‌رسان در شبکه ملی
۱۹۷ راهکار پنجم: ضرورت ارتقاء عملکرد کنشگران فردی در شبکه ملی
۱۹۷ راهبرد WT: شبکه‌سازی مؤسسات خیریه
۱۹۷ راهکار: انسجام بخشی به نهادهای خیریه و تشکیل سامانه ملی نهادهای خیریه
۱۹۹ پیوست‌ها
۱۹۹ ۱. خلاصه عملکرد بنیاد برکت
۲۰۲ ۲. خلاصه عملکرد سازمان بهزیستی ۱۳۸۴-۱۳۹۶
۲۰۴ ۳. خلاصه عملکرد کمیته امداد امام خمینی (ره) ۱۳۵۸-۱۳۹۶
۲۰۴ بازه زمانی (۵۸-۹۲)
۲۰۵ بازه زمانی (۹۵-۹۱)

۲۰۶ سال ۱۳۹۶
۲۰۶ اشتغال زایی
۲۰۶ خدمات
۲۰۷ صدقات
۲۰۷ دانشجویان
۲۰۷ بیماران خاص و صعب‌العلاج
۲۰۸ دانش‌آموزان
۲۰۸ سالمندان
۲۰۹ حامیان
۲۰۹ دلایل حمایت از نیازمندان
۲۰۹ پیوست ۴. خلاصه عملکرد بنیاد شهید
۲۱۱ پیوست ۶. خلاصه عملکرد محک
۲۱۲ پیوست ۷. خلاصه عملکرد مؤسسه حمایت از مستمندان تبریز
۲۱۲ پیوست ۸. خلاصه عملکرد مؤسسه خیریه کهریزک
۲۱۳ پیوست ۹. به‌کارگیری فناوری اطلاعات در حوزه خیرخواهی
۲۱۳ تلفن همراه
۲۱۴ ۱. پرداخت به حساب دیگران
۲۱۴ ۲. پیام‌های متنی SMS
۲۱۴ ۳. تماس صوتی
۲۱۵ ۴. نرم‌افزارهای خیرخواهی
۲۱۵ ۵. گوگل والت
۲۱۵ وسائل الکترونیکی غیر از تلفن همراه
۲۱۵ دستگاه خودپرداز
۲۱۶ دستگاه باز یافت
۲۱۶ دستگاه کارتخوان
۲۱۶ ایمیل بازاریابی
۲۱۷ کد QR
۲۱۸ امضای دیجیتال وبگاه
۲۱۸ اینترنت
۲۱۹ الف) نمونه‌هایی از وبگاه‌های پرداخت الکترونیک
۲۱۹ ۱. وبگاه ویزا
۲۱۹ ۲. وبگاه پی پال
۲۱۹ ب) نمونه‌هایی از وبگاه‌های تجمع و تخصیص وجوه خیریه به‌صورت الکترونیکی
۲۲۰ ۱. وبگاه جاست گیوبینگ
۲۲۱ ۲. وبگاه کازوم

۲۲۱	۳. وبگاه بلک بودنو.....
۲۲۱	۴. وبگاه کِرود رایز
۲۲۲	۵. وبگاه فیلنتروپر
۲۲۲	۶. وبگاه سیورز
۲۲۲	ج) نمونه‌هایی از شبکه‌های اجتماعی با اهداف خیرخواهی
۲۲۳	۱. شبکه اجتماعی گیو اتوت.....
۲۲۴	۲. شبکه اجتماعی توییون.....
۲۲۴	۳. شبکه اجتماعی فوندریزر.....
۲۲۵	د) نمونه‌هایی متفاوت از انفاق و خیرخواهی الکترونیکی
۲۲۵	۱. وبگاه اوری کلیک
۲۲۵	۲. وبگاه گود سرچ.....
۲۲۶	۳. وبگاه دونیت اوورد (انفاق کلمات)
۲۲۶	۴. وبگاه مین سکین کانادا.....
۲۲۷	۵. وبگاه سالیسفورسی فاندیشن.....
۲۲۷	۶. وبگاه اسپارکد (خیرخواهی با تخصیص زمان).....
۲۲۸	۷. وبگاه فرند آسکینگ فرند
۲۲۸	ه) مراکز خیرخواهی بین‌المللی
۲۲۸	۱. مرکز اسلامی کانادا
۲۲۹	۲. مرکز گلوبال گیوینگ.....
۲۳۰	۳. مرکز آکسفام
۲۳۰	و) مهم‌ترین وبگاه‌های موجود الهام‌بخش
۲۳۰	وبگاه کیوا.....
۲۳۳	پیوست ۱۰. فرم خام پرسشنامه روایی محتوا.....
۲۳۶	راهبردها و راهکارهای برون‌رفت از آسیب‌های بخش خیریه.....
۲۳۹	منابع.....
۲۴۶	وبگاه‌ها

نمایه‌ها

۲۴۹	نمایه اصطلاحات.....
-----	---------------------

فصل اول

کلیات و مفاهیم

مقدمه

رویکرد قرآن کریم به انفاق و خیرخواهی نشان از اهتمام باری تعالی به این مسئله است. قرآن کریم در ۳۱ مورد با لفظ زکات و حدود ۵۰ مورد با لفظ انفاق و ۱۰ مورد با لفظ صدقه و در مواردی با الفاظ دیگر، مانند ایتاء مال و حق المعلوم و... مؤمنان را به این مهم فراخوانده است. پیامبر اکرم ﷺ خطبه‌ای نخواند مگر آنکه یاران خویش را در آن به صدقه امر فرمود. سیره شخصی آن حضرت در دستگیری از فقیران و کمک به هموعان و همچنین موضوع ایثار و انفاق خاندان پاک ایشان در این مسئله بر کسی پوشیده نیست. قرآن کریم ترک انفاق را موجب سقوط و هلاکت جامعه دانسته است (بقره، ۱۹۵). در آیه‌ای دیگر افراد بخیل را به نابودی تهدید کرده و وعده داده تا آنها را با قومی بخشنده جایگزین نماید (محمد، ۳۸). انفاق فی سبیل الله، سنت و قانون الهی برای توسعه برکات و رشد پایدار اقتصادی است. این حقیقت انکارناپذیر در آیات و روایات زیادی بیان شده است (بقره، ۲۶۱، ۲۷۶). خداوند متعال یکی از ویژگی‌های افراد جامعه اسلامی را کمک به هموعان می‌داند (ذاریات، ۱۹).

به دلیل رسوخ همین رویکرد قرآنی در باورهای مذهبی جامعه و برخورداری مردم ایران از روحیه خیرخواهی، هم‌اکنون نهادهای خودجوش خیریه زیادی وجود دارند که با بهبود مدیریت و ارتقاء و ساماندهی مناسب آنها می‌توان مشکلات بسیاری را حل کرد. بدیهی است بدون توجه به احساس دلبستگی فرد به جامعه و حس نوع‌دوستی و خیررسانی به دیگران، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های تربیتی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی پشتوانه اجرایی نخواهد داشت (موسی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۶).

برخی از اندیشمندان بر این باورند که سازمان‌های غیرانتفاعی و صندوق‌های داوطلبانه حتی می‌توانند از سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر پشتیبانی نمایند و با آن اشتغال کشور را توسعه بخشند (حیدری، ۱۳۹۵، ص ۶). در کشور مؤسسه‌های خیریه با عملکرد موفق کم نیستند. به عنوان مثال، «مؤسسه خیریه حمایت از مستمندان تبریز» با الهام از ارزش‌های اسلامی توانسته است این شهر را به الگویی از یک شهر «بدون گدا» تبدیل نماید یا «مؤسسه خیریه صدیقین» با ابتکارهای خود کارهای مؤثری را در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و ایجاد زمینه‌های خوداشتغالی و خودکفایی آنها انجام داده است.

«انجمن خیرین مدرسه‌ساز ایران» همانند شجره مبارکه‌ای هر سال پرثمرتر از سال‌های پیش خدمات شایان توجهی را به نهاد آموزش و پرورش کشور ارائه می‌کند. این انجمن یکی از بزرگ‌ترین تشکل‌های مردمی جمهوری اسلامی ایران است که به ثبت قانونی رسیده و فعالیت‌های آن بر جذب مشارکت خیرین برای ساخت و توسعه فضاهای آموزشی متمرکز است. این نهاد مردمی از سال ۱۳۷۷ فعالیت خود را آغاز کرده و طی دو دهه فعالیت خود، سهم خیرین در ساخت کل مدارس کشور را به حدود ۳۰ درصد افزایش داده است. به‌دیگرسخن، از مجموع ۵۳۰ هزار کلاس درس موجود در کشور، امروز بیش از ۱۰۷ هزار کلاس درس به کوشش خیرین مدرسه‌ساز ساخته شده که یک نصاب قابل توجه است.

مجمع خیرین بخش سلامت، صندوق‌های قرض‌الحسنه مردمی، امور خیریه فراوان مانند اوقاف، نذورات، صدقات، سنت قربانی و اطعام گواه روشن برخورداری کشور از ظرفیت بی‌بدیل منابع خیریه مردمی جهت زدودن غبار فقر از جامعه است. وجود چنین ظرفیت بالقوه‌ای در این بخش باعث شده که برخی نظریه‌پردازان اقتصادی در غرب به این راه‌حل برسند که یکی از بهترین راه‌حل‌های برون‌رفت از مشکلات فقر و بیکاری در تمام جوامع تشویق و گسترش فعالیت‌های نهادهای خیریه است. بیشتر کشورها پس از چند دهه بی‌توجهی به این بخش، به نهاد وقف و خیریه بازگشته‌اند (مهدوی، ۱۳۹۵، ص ۷).

خیریه‌ها در کشورهای مختلف با نام‌هایی مانند مؤسسه‌های خیریه^۱ و بنیادهای خیریه^۲ شناخته می‌شوند. در برخی کشورها خیریه‌ها زیرمجموعه یا مترادف مؤسسه‌های غیرانتفاعی یا

1. charity organizations

2. charity foundations

کلیات و مفاهیم ۳

به اختصار NPO^۱ تلقی می‌شوند؛ یعنی مؤسساتی که به قصد کسب منافع مادی مؤسسان یا اعضا تشکیل نمی‌شوند؛ بلکه هدفی ماورای اهداف مالی را دنبال می‌کنند. در برخی کشورهای دیگر مؤسسات خیریه زیرمجموعه مؤسسات غیردولتی یا به اختصار NGO^۲ قرار می‌گیرند (دوراندیش، ۱۳۸۹، ش ۲۱۴۶، ص ۳۰).

بررسی و آسیب‌شناسی نهادهای خیریه کشور

بررسی‌ها نشان می‌دهد که هم‌اکنون این نهادها دارای برخی نقاط قوت مانند برخورداری از زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، و وجود سرمایه‌های معنوی و... و برخی نقاط ضعف مانند نداشتن شفافیت، ناکارآمدی و... هستند. این بررسی با استفاده از روش تحلیلی SWOT و دیدگاه نخبگانی صورت گرفته و راهکارهای اصلی برون‌رفت از وضعیت موجود و ارتقاء بخش خیریه ارائه شده است.

وضعیت کلی بخش خیریه در ایران

امروزه با کاهش نقش دولت‌ها و افزایش تدریجی قدرت مردم در اقتصاد با افزایش خصوصی‌سازی انتظار می‌رود که تعداد ثروتمندان به سرعت گسترش یابد و نهاد وقف و خیریه بار دیگر جایگاه خود را در تأمین انگیزه‌های انسان‌دوستانه، فقیرنوازان، علم‌پرورانه و دین‌مدارانه پیدا کند (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۹۵، ص ۱۴). هم‌اکنون تعداد مراکز خیریه در کشور به بیش از ۱۵ هزار مورد رسیده است که با توجه به روحیه خیرخواهانه مردم و فعالیت تعداد زیاد مراکز خیریه در کشور باید انتظار داشت که روزه‌روز از تعداد نیازمندان کاسته شود؛ اما متأسفانه فعالیت این مراکز نتوانسته آن‌طور که باید و شاید مرهمی بر زخم‌های نیازمندان باشد؛ زیرا سازوکار مشخصی برای شفاف عمل کردن مراکز خیریه در کشور تعریف نشده است. افزون‌براین مدیریت یکپارچه‌ای نیز بر این مراکز نظارت نمی‌کند و مردم در شناسایی مؤسسات خیریه قانونی دچار مشکل هستند.

1. non-profit organizations

2. non-governmental organizations

مجوز این نهادها از سوی وزارت کشور، سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی و استانداری‌ها صادر می‌شود. سازمان بهزیستی تاکنون به بیش از دو هزار مرکز خیریه مجوز فعالیت داده و عملکرد آنها را زیر نظر دارد. سازمان اوقاف و امور خیریه نیز به تعدادی از مراکز خیریه نظارت داشته و سعی در جمع‌آوری بانک جامعی در این باره دارد که تاکنون چهارصد مؤسسه خیریه تحت اشراف سازمان اوقاف درآمده‌اند؛ ولی بر تعداد زیادی از این مراکز هیچ نوع نظارتی وجود ندارد. نبود نظارت کافی بر مؤسسات خیریه سبب شده تعدادی از آنها تحت پوشش فعالیت‌های خیرخواهانه به سودجویی بپردازند. همچنین موازی کاری بین آنها باعث ضایع شدن حق نیازمندان واقعی شده است؛ زیرا تعدادی از فرصت‌طلبان با مراجعه به تعداد زیادی از مؤسسات خیریه از حمایت‌های آنها استفاده می‌کنند.

نبود قوانین شفاف و مشخص ناظر به نحوه عملکرد این نهادهای خیریه از دیگر مشکلاتی است که جامعه از آن رنج می‌برد. وراثتی بودن مدیریت در این نهادهای خیریه نیز مشکلی جدی فراروی تکافل اجتماعی تلقی می‌شود. همچنین نبود اطلاعات کافی راجع به ورودی و خروجی نهادهای خیریه (گردش مالی) یکی دیگر از آسیب‌هاست و این در حالی است که شفافیت مالی مؤسسات خیریه زمینه‌ساز توسعه مشارکت‌های مردمی است که در نتیجه آن می‌توانند به مأموریت اصلی خود بهتر عمل نمایند که همان انقطاع فقر نسلی (یعنی انتقال فقر از پدر به پسر و از پسر به فرزند) است. برخی از پژوهشگران یکی از راه‌های کاهش این‌گونه مشکلات را تشکیل شبکه ملی مؤسسه‌های خیریه و ساماندهی بخش خیریه کشور می‌دانند (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۸).

در جامعه اسلامی ایران با وجود فعالیت نهادهای مردم‌نهاد در زمینه اشاعه کارهای خیر و همچنین فعالیت نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی همچون کمیته امداد، بهزیستی، صندوق‌های قرض‌الحسنه و وزارت کار و تعاون هنوز سیمای زشت فقر و تکدی‌گری و بیکاری از چهره شهرها به‌ویژه کلان‌شهرها زدوده نشده است. افزون‌براینکه ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی، نبود اعتماد عمومی به عملکرد نهادهای دولتی و شبه‌دولتی، نبود گستردگی حوزه فعالیت نهادهای خصوصی بر ضرورت بیش‌ازپیش وجود این نهادها می‌افزاید. نهادهای خیریه با تمام قوت‌ها و ظرفیت‌ها در زدودن فقر در جامعه، مشکلاتی هم دارند و همواره با چالش‌ها و

کلیات و مفاهیم ۵

تنگناهایی روبه‌رو هستند. این کتاب در راستای شناسایی چالش‌ها و ارائه راهکارهای برون‌رفت از آنها تلاش کرده پاسخ‌های علمی و مناسب برای پرسش‌های پیش‌رو بیابد:

۱. چه تجربه‌های موفقیتی در بخش خیریه در جهان وجود دارد؟
۲. هم‌اکنون چه مؤسسه‌هایی در بخش خیریه کشور فعالیت دارند؟
۳. نقاط قوت و ضعف، تهدیدها و فرصت‌های (SWOT) نهادهای خیریه کشور کدام‌اند؟
۴. راهکارهای ارتقای عملکرد نهادهای خیریه کشور کدام است؟

استفاده از تکنیک SWOT

این نوع تحلیل برای نخستین بار در سال ۱۹۵۰ توسط دو فارغ‌التحصیل مدرسه بازرگانی هاروارد به نام‌های جورج آلبرت اسمیت و رولند کریستنسن مطرح شد (کارولینا، ۲۰۰۶). گفتنی است SWOT سرواژه عبارات قوت‌ها (Strengths)، ضعف‌ها (Weaknesses)، فرصت‌ها (Opportunities) و تهدیدات (Threats) است (پیرس و رابینسون، ۱۳۷۷، ص ۳۰۷-۳۰۹).

با استفاده از تحلیل یادشده می‌توان نخست به تجزیه و تحلیل محیط‌های داخلی و خارجی پرداخت و دوم، تصمیم‌های راهبردی‌ایی گرفت که قوت‌های سازمان را با فرصت‌های محیطی متوازن کند. به‌اختصار می‌توان گفت هدف از تحلیل و بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای محیط خارجی ارزیابی این مسئله است که یک شرکت می‌تواند فرصت‌ها را به دست آورد و از تهدیدها دوری کند؛ به‌ویژه زمانی که با یک محیط خارجی کنترل‌ناپذیر در زمان کنونی روبه‌رو است.

شناسایی نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها، تشکیل ماتریس SWOT و وارد کردن عوامل انتخاب‌شده به آن، مقایسه عوامل داخلی و خارجی با یکدیگر و تعیین راهبردهای SO، WO، ST، WT، تعیین اقدامات مورد نیاز برای انجام راهبردهای تعیین‌شده از جمله مراحل انجام آنالیز SWOT است. برای برون‌رفت نهادهای خیریه از وضعیت کنونی با بهره‌مندی از تکنیک SWOT راهبردها و راهکارهایی استخراج شد. دستورالعمل استفاده‌شده به شکل زیر است که در پایان با توجه به مطالب مطرح شده تکمیل خواهد شد.

فهرست نقاط ضعف w	فهرست نقاط قوت s	SWOT
راهبردهای WO (ترمیمی) ^۲ با فرصت‌ها نقاط ضعف از بین برود.	راهبردهای SO (توسعه‌ای) ^۱ با نقاط قوت از فرصت‌ها استفاده شود.	فهرست فرصت‌ها o
راهبردهای WT (ادغامی) ^۴ نقاط ضعف را کاهش دهد و از تهدیدها بپرهیزد.	راهبرد ST (ترمیمی) ^۳ برای دوری از تهدیدها از قوت‌ها استفاده شود.	فهرست تهدیدها t

ضریب نسبی روایی محتوای (CVR) و شاخص روایی محتوای (CVI)

برای بررسی روایی محتوایی به شکل کمی، از دو ضریب نسبی روایی محتوای (CVR)^۵ و شاخص روایی محتوای (CVI)^۶ استفاده می‌شود. CVI به صورت تجمیع امتیازات موافق برای هر گزینه که امتیاز «مرتبط اما نیاز به بازبینی» و «کاملاً مرتبط» را کسب کرده‌اند تقسیم بر تعداد کل متخصصان محاسبه خواهد شد. اگر عدد بالاتر از ۰/۷۹ بود، روایی محتوای مقیاس مورد تأیید است. اگر بین ۰/۷ و ۰/۷۹ باشد، نیاز به بازبینی دوباره است و اگر کمتر از ۰/۷ باشد، روایی محتوای مقیاس مورد تأیید نیست. برای تعیین CVR از متخصصان درخواست می‌شود تا هر گزینه را براساس طیف سه قسمتی «ضروری است؛ مفید است ولی ضرورتی ندارد؛ ضرورتی ندارد» بررسی نمایند. سپس پاسخ‌ها مطابق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$CVR = \frac{n_E - 2}{N}$$

در این رابطه n_E تعداد متخصصانی است که به گزینه ضروری پاسخ داده‌اند و N تعداد کل متخصصان است. اگر مقدار محاسبه‌شده از مقدار جدول بزرگ‌تر باشد، اعتبار محتوای آن گزینه پذیرفته می‌شود (حاجی‌زاده، ۱۳۹۰).

۱. در این نوع راهبرد، سازمان می‌کوشد تا با بهره‌مندی از فرصت‌های بیرونی و نقاط قوت درونی، فعالیت‌های خویش را توسعه دهد.
۲. در این نوع راهبرد، سازمان تلاش می‌کند با بهره‌مندی از فرصت‌های بیرونی، نقاط ضعف را به حداقل ممکن برساند.
۳. در این نوع راهبرد، سازمان می‌کوشد تا با استفاده از نقاط قوت موجود، تهدیدها را از بین برده و خود را استحکام ببخشد.
۴. در این نوع راهبرد سازمان با توجه به وجود ضعف‌های درونی و تهدیدهای بیرونی تلاش می‌کند تا حداقل حالت کنونی را حفظ نماید.

5. Content Validity Ratio (CVR)

6. Content Validity Index (CVI)

کلیات و مفاهیم ۷

تعداد افراد پندل متخصصان	حداقل مقدار روایی
۵	۰/۹۹
۸	۰/۸۵
۹	۰/۷۸
۱۰	۰/۶۲
۱۵	۰/۴۹
۲۰	۰/۴۲
۲۵	۰/۳۷
۳۰	۰/۳۳
۴۰	۰/۲۹

گفتنی است که در این پژوهش برای اتمام نتایج، گزینه‌ها تنها در صورتی از مدار پژوهش حذف می‌شوند که از هر دو شاخص *CVR* و *CVI* نمره کافی نگیرند؛ در غیر این صورت گزینه پابرجا خواهد ماند.

پیشینه بحث

نظام‌زاده (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه و نقش نهادهای خیریه در خدمت‌رسانی» تلاش نموده تا اهمیت و جایگاه نهادهای خیریه را در زدودن فقر تبیین نماید. فرجی‌ها و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «کلاهبرداری و خیانت در امانت از طریق مؤسسات خیریه» تلاش نموده‌اند تا یکی از نقاط ضعف نهادهای خیریه را تبیین نمایند. عرب‌مازار و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «ارائه الگویی برای حمایت مالیاتی از کمک‌های خیریه در ایران» تلاش نموده‌اند تا الگویی برای حمایت مالیاتی از کمک‌های خیریه ارائه نمایند. ایشان در تحقیق خود سیاست اعتبار مالیاتی را برای سطوح مختلف کمک‌های خیریه، به‌عنوان سیاست جایگزین نظام فعلی حمایت از کمک‌های خیریه در ایران معرفی کرده‌اند.

نکویی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «نقش مؤسسه‌های خیریه در نظام سلامت یک مطالعه کیفی» معتقدند در مؤسسه‌های خیریه‌ای که به نظام سلامت اختصاص دارند موضوعات بهداشتی در اولویت نبوده و این امر مهم در فعالیت‌های این مؤسسه‌ها نادیده گرفته شده است. همچنین کمک‌های مردمی در نظر گرفته شده برای تجمیع درآمد منبع قابل اطمینانی نیست و باید به درآمدهای اختصاصی توجه شود.

مهتابی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی وقف» تلاش نموده تا به آسیب‌شناسی از دو جنبه درونی و بیرونی (درونی به عبارتی درون‌سازمانی و بیرونی مثل عوامل طبیعی یا اعتقادی مردم و وجود دستگاه‌های مشابه...) توجه نماید. توکلی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیق نظریه‌ها و مدل‌های رفتار عام‌المنفعه در اقتصاد متعارف و اسلامی» به این بحث پرداخته است.

در ابتدای اسفندماه ۱۳۹۵ بنیاد خیریه راهبری آلاء نخستین همایش خیر ماندگار را برگزار نمود. در این همایش بیش از ۸۰ مقاله علمی در ابعاد مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی امور خیر در ایران ارائه شد که به‌نوبه خود منبع ارزشمندی برای مطالعات خیریه محسوب می‌شوند. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

مرتضوی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌سازی شبکه ملی مؤسسه‌های خیریه پس از تبیین مفهوم شبکه» تنها راه‌حل مشکلات نهادهای خیریه کشور را ایجاد شبکه ملی نهادهای خیریه دانسته‌اند. مرتب و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی چگونگی نظارت کارآمد بر نهادها و فعالیت‌های خیریه»، با ارائه پیشنهادهایی مبتنی بر شفافیت، حوزه‌های بسیار مهم شفافیت در خیریه‌ها را مدیریت امور مالی، فعالیت‌های جذب کمک‌ها و نذورات، گزارش‌های ارزیابان، زمان‌بندی برای شفاف‌سازی، اعضای اجرایی و هیئت مدیره، مدیریت استراتژیک و برنامه‌ریزی، مدیریت منابع انسانی و مدیریت تعارض منافع معرفی نموده‌اند و بر این باورند که باید مردم با شاخص‌های شفافیت آشنا شوند و معتبرترین خیریه‌ها از لحاظ عملکردی به مردم معرفی شوند.

حیدری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل کارکردهای بخش سوم (امور خیریه و نیکوکاری)»، در توسعه اقتصادی و اشتغال، الگوی توسعه اشتغال محلی-منطقه‌ای با استفاده از ظرفیت بخش سوم را مشتمل بر پنج مرحله زیرساخت‌ها و هماهنگی‌ها، مطالعات و ارتباطات، برنامه‌ریزی و ابزارها، تأمین مالی و اجرا و بازخورد و اصلاح معرفی نموده و تمامی مراحل را با تأکید بر بخش خیریه توضیح داده است. حسن‌زاده سروستانی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تأمین مالی جمعی، الگویی مناسب جهت جذب مشارکت‌های خیرین» تلاش نموده‌اند تا فرایند تأمین مالی جمعی برای حمایت از نیازمندان را به‌صورت روشمند بیان نمایند.

مهدوی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «شاخص‌های ارزیابی عملکرد بخش وقف و خیریه با استفاده از کارت امتیاز متوازن» بر این باورند که بخش وقف و خیریه را می‌توان از جهت کمیت و کیفیت خدماتشان ارزیابی کرد. کارت امتیاز یکی از مدل‌هایی است که جنبه‌های گوناگون کمیت و کیفیت را ارزیابی می‌کند. عظیم‌زاده اردبیلی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقش وقف و امور خیریه و داوطلبگی بر فرایندهای اجتماعی» بر ترویج فرهنگ وقف و حضور داوطلبانه مردم در نهادهای خیریه و کمک و مساعدت نظام تقنینی و قضایی و مدنی از مؤسسات وقفی و خیریه تأکید نموده‌اند و خواستار اصلاح و بازنگری در قوانین حمایتی در این باره و یکپارچه‌سازی نهادهای خیریه شده‌اند.

آرام (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی خیریه‌ها در بستر نظریه تکافل اجتماعی» تلاش نموده تا با استفاده از نظریه سیستم‌ها به فهم درستی از معنای حقیقی امر خیر در منظومه قرآن و عترت دست یابد. وی در این مقاله وضع موجود خیریه‌ها را ارزیابی و نقد کرده است و با استفاده از نظریه سیستم‌ها، آیات و روایات موجود درباره امور خیر و نیکوکاری را با تأکید بر فلسفه و کارکرد تشریح آنها در چارچوب نظریه تکافل اجتماعی بررسی کرده است. با استفاده از این رویکرد معنای حقیقی امر خیر در منظومه قرآن و عترت را مشخص و افزون‌بر ارزیابی وضع موجود خیریه‌ها به وضع مطلوب تکافل اجتماعی اشاره نموده است.

طیب‌نیا و همکاران (۱۳۹۷) در کتابی با عنوان «به توان ایران» تلاش نموده‌اند تا پس از واکاوی سیر تاریخی امر خیر در ایران راهکارهای دستیابی به الگوی مطلوب خیریه‌ها را تشریح نمایند. حسینی و کاظمی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل عرضه و تقاضای خدمات تکافلی در اقتصاد اسلامی» کوشیده‌اند تا از منظر اقتصاد اسلامی عرضه و تقاضای وجوه تکافلی و عوامل مؤثر بر آنها را تحلیل نموده و تعادل در این بخش را با استفاده از ابزار تحلیل، نمودار و ریاضیات تشریح کنند. در این مقاله تلاش شده است تا راهکارها و راهبردهایی تبیین شود که بتواند فاصله وضعیت موجود از وضعیت مطلوب را کاهش داده و بخش خیریه را به تعادل نزدیک کند. کاظمی و حسینی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «راهبردها و راهکارهای ارتقاء بخش خیریه» تلاش نموده‌اند تا برای برون‌رفت حوزه خیریه از عدم تعادل موجود و حرکت به سمت مازاد عرضه وجوه خیریه راهبردها و راهکارهایی را ارائه نمایند.

افزون براین، آثار موجود در زمینه اقتصاد فقر و راهکارهای فقرزدایی در اسلام را هم می‌توان از مصادیق مطالعات در این حوزه به شمار آورد. برای نمونه، می‌توان از کتاب اقتصاد وقف و امور خیریه اثر مهدی طغیانی یاد کرد. در این زمینه آثار بین‌المللی نیز از غنای خوبی برخوردارند که برای نمونه می‌توان به کتاب‌های هندبوک خیریه جهانی، ویراسته و پیکینگ و هندی (۲۰۱۷) و هندبوک بخش بدون سود ویراسته پاول و استینبرگ (۲۰۰۶) اشاره نمود.

همواره خلأ آسیب‌شناسی نهادهای خیریه از طریق علمی و مورد اعتماد در بین پژوهشگران این حوزه مطالعاتی احساس می‌شود. گرچه هر یک از آثار پیش‌گفته به نوعی تلاش نموده‌اند تا برخی از آسیب‌های موجود در نهادهای خیریه را معرفی کنند، ولی تحقیق حاضر برای پر کردن خلأ یادشده تلاش کرده تا به‌طور جامع نهادهای خیریه را مطالعه کند. این تحقیق افزون بر جامعیت، در شیوه تحقیق و نتایج با پژوهش‌های پیشین تمایز بسیاری دارد؛ از جمله اینکه تلاش نموده تا مطالب استخراج‌شده از روش کتابخانه‌ای (نقاط قوت، نقاط ضعف، نقاط تهدید، نقاط فرصت، راهبردها و راهکارها) را با استفاده از تکنیک SWOT تنظیم و روایی نتایج را با ابزار CVI و CVR سنجش کند.

مفاهیم اساسی

در ادامه واژگانی مانند ساختار، عملکرد، بخش غیرانتفاعی، مؤسسه‌های خیریه، تراست، اندومن، بنیاد خیریه به اختصار تشریح می‌شود. همچنین به مفاهیم پرکاربرد و اساسی این پژوهش همانند تکافل اجتماعی، انفاق، احسان، نیکوکاری و ایثار نیز اشاره خواهد شد.

ساختار

ساختار واژه مبهمی است که در حوزه‌های مختلف دانش از ترکیب‌هایی مانند ساختار ذهن تا ساختار فیلم به کار می‌رود. در حوزه دانش‌های مرتبط با شهر نیز اصطلاح ساختار کاربرد گسترده‌ای دارد؛ از برنامه‌ریزی ساختاری تا ساختار شهری یا ساختار اجتماعی شهر. این واژه در اقتصاد نیز بر کلمه اقتصاد داخل می‌شود؛ همانند ساختار اقتصاد و هم در کنار سازمان قرار می‌گیرد مثل ساختار سازمان. پرسش‌ها در این باره آن است که آیا مفهوم واحدی در کاربرد ساختار در این حوزه‌ها وجود دارد؟ آیا استفاده از اصطلاح ساختار براساس فهم واحدی از

مفهوم آن است؟ آیا دانشورانی که از این اصطلاح استفاده می‌کنند، چارچوب‌های واحدی برای درک آن دارند و یا بر حسب حوزه دانشی که از منظر آن به مسئله می‌نگرند، بر جنبه‌ای از این مفهوم متمرکز می‌شوند؟ اگر این طور است آیا فصل مشترکی بین درک‌های مختلف از مفهوم ساختار وجود دارد؟

پاسخ به این پرسش‌ها را می‌توان در دیگر پژوهش‌ها جستجو نمود؛ ولی مرتبط با بحث این کتاب این است که واژه «ساختار» معادلی برای کلمه structure در زبان انگلیسی است. در فرهنگ‌های ایرانی در مقابل واژه structure دو واژه ساختار و ساخت آمده است. در فرهنگ علوم انسانی هر دو واژه ساختار و ساخت در مقابل واژه structure ذکر شده است. در فرهنگ اصطلاحات فلسفه افزون‌بر این دو واژه، با عبارت رابطه ثابت و قانونمند بین اجزاء و عناصر یک نظام یا یک کل تعریف شده است. ساختار در فرهنگ سخن به صورت ترتیب و چگونگی قرار گرفتن اجزاء یا چگونگی ساختمان چیزی، مجموعه عناصر تشکیل دهنده یک اثر ادبی یا هنری و پیوستگی اجزای آن با یکدیگر تعریف شده است.

آنچه در این تعاریف دیده می‌شود تأکید بر ارتباط بین اجزای چیزی است که موضوع ساختار آن مطرح می‌شود. با توجه به نبود واژه ساختار در لغت‌نامه دهخدا به نظر می‌رسد که این واژه در زبان فارسی، در سال‌های اخیر ابداع شده و پیشینه ندارد. مفهومی تا حدودی شبیه به معنای واژه ساختار را در لغت‌نامه دهخدا می‌توان در واژه استخوان‌بندی یافت که بندوبست اعضا و نیز کنایه از درست کردن انگاره و بستن ترکیب الفاظ و عبارات است. واژه ساختار در زبان انگلیسی نیز پیشینه کاربرد طولانی ندارد. فعل آن به ندرت پیش از قرن بیستم دیده می‌شود. در لغت‌نامه آکسفورد در توضیح همین واژه این معانی آمده است: سازماندهی و رابطه بین اجزاء یا عناصر چیزی پیچیده، کیفیت سازمان دادن، ساختمان یا شیئی دیگری که از بخش‌های مختلف ساخته شده است.

بررسی معانی یادشده نشان می‌دهد که از واژه ساختار هم برای اطلاق بر کلیت چیزی استفاده شده و هم برای اشاره به روابط بین اجزای چیزی؛ نکته دیگر دریافتی از بررسی ریشه واژه و تحول آن این است که واژه در اصل در زبان لاتین به معنای ساخته و بنا به کار می‌رفته؛ اما در معنای متداولش افزون‌بر این معنای دیگری یافته که رایج‌تر است و آن تأکید بر روابط بین اجزای چیزی است که از ساختارش صحبت می‌شود (اهری، ۱۳۹۵). بنابراین تعریف اخیر

ساختار نهادهای خیریه افزون بر کلیت نهادهای خیریه، روابط بین اجزای آنها را نیز شامل می‌شود.

بخش غیرانتفاعی

براساس یک نوع تقسیم‌بندی رایج در ادبیات اقتصادی، اقتصاد دارای دو بخش عمومی و خصوصی است. در این بین فعالیت‌های اقتصادی دیگری نیز در کل اقتصاد انجام می‌شود که به‌طور عمده تحت عنوان بخش سوم یا داوطلبانه یا غیرانتفاعی طبقه‌بندی می‌شوند. به‌اجمال همه فعالیت‌های خیریه و انسان‌دوستانه، فعالیت‌های داوطلبانه در حمایت از محیط‌زیست و حقوق بشر، فعالیت‌های داوطلبانه در توسعه آموزش و تحقیقات، مشاوره‌های داوطلبانه حقوقی و... در این بخش طبقه‌بندی می‌شوند. این بخش از سویی منفعت‌طلبی بخش خصوصی را ندارد و از سوی دیگر، برخلاف بخش عمومی، چابک و با انعطاف است. آمار دقیقی از سهم آن در همه اقتصادها در دسترس نیست؛ اما متوسط آن در گروهی از کشورها که آمارشان در دسترس بوده حدود ۵ درصد است. این بخش در همه مناطق دنیا و به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته به‌سرعت در حال رشد است. متوسط رشد این بخش در هشت کشور صنعتی از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی تا اواسط دهه اول قرن جدید حدود ۷/۳ درصد بوده؛ در حالی که متوسط رشد تولید ناخالص این کشورها حدود ۵ درصد است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲، ص ۳).

مؤسسات خیریه

براساس یک تقسیم‌بندی، که توسط یکی از مراکز معتبر دنیا در زمینه مطالعات بخش غیرانتفاعی انجام شده، تمامی فعالیت‌های این بخش در دو گروه چهارتایی تقسیم شده است: در گروه نخست، مسکن، خدمات اجتماعی، آموزش و بهداشت و در گروه دوم، ورزش و سرگرمی، موسیقی، هنر و... جای دارد. اجزای گروه نخست بر آن چیزی منطبق است که در ایران فعالیت‌های خیریه شناخته می‌شود. این گروه به‌طور متوسط ۷۳ درصد از بخش سوم اقتصاد را در سال ۲۰۰۳ در گروهی از کشورهای منتخب تشکیل داده است. این رقم در کشوری مانند ژاپن ۹۵ درصد و در نروژ ۵۵ درصد است. تفاوت عمده و البته آشکاری که میان

کلیات و مفاهیم ۱۳

بخش غیرانتفاعی با دیگر بخش‌های اقتصاد، به‌ویژه بخش خصوصی، وجود دارد، نداشتن سهامدار است. همین مسئله نظارت بر این بخش را با دشواری‌هایی روبه‌رو کرده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲، ص ۳).

جمعی از افراد، مؤسسه‌های خیریه را طبق قانون تجارت و آیین‌نامه مربوطه تشکیل می‌دهند و اهداف فرهنگی اجتماعی در اساسنامه آن تصریح می‌شود. چنانچه مؤسسه منحل شد، در صورت وجود امکانات و اموال مازاد، پس از رد دیون در راستای اهداف مؤسسه صرف امور عام‌المنفعه می‌شود و نحوه اداره مؤسسه نیز با هیئت مدیره و تشکیل مجمع سالیانه همراه می‌باشد (ریاحی سامانی، ۱۳۸۳، ص ۴۸).

بنیاد خیریه

مطابق تعریف فرهنگ وبستر، واژه بنیاد^۱ دو معنای مرتبط با امور خیریه دارد: نخست، وجوه پرداخت شده برای حمایت دائمی از یک نهاد است که مترادف (Endowment) یا نحلّه (هدیه، بخشش و وقف) است؛ دوم، سازمان یا نهادی است که از راه وجوه اهدایی (نحلّه) تشکیل شده، البته ترتیبات نیازمندی‌های آینده سازمان و پایداری آتی را هم پیش‌بینی کرده است. در تطابق با تعریف دوم، دانشنامه حقوقی، بنیاد را نوعی از بنگاه‌های عمومی مانند تأسیس بیمارستان، مدرسه، پل، آب انبار و... می‌داند که شخص از راه هبه یا وصیت آن را پدید می‌آورد. بنابراین، بنیادها نیز مانند انجمن‌ها و دیگر سازمان‌های غیرانتفاعی شخصیت حقوقی داشته و در زمره اشخاص حقوقی دارای هدف غیرانتفاعی هستند (جهانیان، ۱۳۹۵، ص ۹۰).

تراست

صاحب مال به‌عنوان تشکیل‌دهنده آن در تراست شرط می‌کند که اموالش به‌وسیله یک یا چند نفر آمین به نفع یک یا چند شخص یا گروه یا جهت به نام ذینفع اداره شود. خاستگاه این نهاد آن بود که در قرون وسطا قواعد «کامن لا» مانع از توارث زمین می‌شد؛ بنابراین، تراست راه‌گیزی

1. Foundation

از قواعد «کامن لا» بود. این شرایط سبب شد تا نهاد پیچیده تراست پدید آید که ترکیبی از هبه، نمایندگی و انتفاع است (همان، ص ۸۹).

تراست در حقوق انگلیس با وقف در حقوق اسلامی، با وجود اشتراک زیاد، تفاوت‌های بنیادی بسیاری دارند. وقف نهادی تکامل یافته در بستر حقوق اسلامی و تراست برانگیخته از انصاف در سیستم حقوقی انگلوساکسون است. هر دو نهاد بر محور اختصاص اموال به اهداف خاص می‌چرخند (یعنی اختصاص مال برای انتفاع اشخاص یا صرف در جهات عام المنفعه). از مهم‌ترین ویژگی‌های وقف شخصیت حقوقی و دوام آن است. در مقابل، تراست شخصیت حقوقی ندارد و اصل بر موقت بودن آن است، مگر تراست در جهت امور خیریه که می‌تواند دائمی باشد. در ضمن دایره شمول اموالی که موضوع تراست قرار می‌گیرند وسیع‌تر از اموالی (عین) است که موضوع وقف واقع می‌شوند (باستانی، ۱۳۸۷، ص ۱).

از طرفی وقتی به بحث طبقه‌بندی وقف به اعتبار ذی‌نفعان (موقوف‌علیهم) دقت می‌کنیم بین وقف عام (وقف بر جهات و مصلحت عموم مانند وقف بر فقرا) و تراست عمومی (که در آن منافع تراست به عموم می‌رسد) و همین‌طور بین وقف فامیلی یا وقف خاص (وقف بر شخص یا اشخاص مانند وقف بر اولاد) و تراست اختصاصی (که در آن منافع تراست به شخص یا اشخاصی معین می‌رسد) شباهت‌هایی می‌بینیم.

اندومننت

اندومننت اهدای مبلغی پول یا اموال به یک مؤسسه مانند مؤسسه‌های خیریه یا دانشگاه‌ها به منظور استفاده در موارد خاص، به‌ویژه در موردی است که اصل پول و مال به‌طور دائم دست نخورده باقی بماند و فقط از محل سود و منافع حاصل از اصل پول یا مال در مصارف مورد نظر استفاده شود. همچنین، اندومننت به معنای انتقال و یا دادن یک سوم از اموال شوهر به همسر بازمانده از وی پس از فوت می‌باشد (البته این تأسیس حقوقی به معنای اخیر، امروزه در بسیاری از سیستم‌های حقوقی ملغی شده است). نهادهایی که این اندومننت را اداره می‌کنند همچنان که در تعریف‌های قبلی آمده، صندوق‌های وقفی نامیده می‌شوند و به دنبال حفظ ارزش دارایی در کنار کسب بیشترین سود می‌باشند (سالازان، ۱۳۸۷، ص ۴۰).

تکافل اجتماعی

در معجم مقاییس اللغة آمده است حروف «کاف، فاء و لام» با یکدیگر دلالت بر تعهد شیئی برای شیئی دیگر می‌کند و کفیل یا ضامن از همین باب می‌باشد. ماده کفل برای اشخاص به معنای کفالت به کار می‌رود؛ یعنی فلان شخص را کفالت نمود؛ همانند آیه ۳۷ آل عمران «وَكفَّلَهَا زكريا»؛ ولی در مورد مال به معنای ضمانت به کار گرفته می‌شود. مثلاً «كفَّلتَه المال» به معنای «ضمَّنه اياه» است؛ یعنی آن مال را برایش تضمین نمود. راغب اصفهانی نیز می‌نویسد: کفالت عهده‌دار شدن و تضمین امری تا مرز کفایت است. برای مثال، کلام خداوند تبارک و تعالی در آیه ۱ سوره مبارکه ص «أَكْفُلِيهَا» به معنای این است که مرا کفیل و عهده‌دار و ضامن امور او گردان. از بررسی کتب لغت به دست می‌آید که کفالت در لغت به معنای عهده‌دار شدن و تضمین نیازمندی‌های انسان است. در آیه ۴۴ سوره آل عمران^۱ و آیه ۴۰ سوره طه^۲ تکافل در همین معنا به کار رفته است.

از موارد کاربرد قرآنی کفالت و بررسی لغت‌نامه‌ای فهمیده می‌شود که کفالت به معنای تأمین تمام نیازمندی‌های شخص تا رسیدن به مرز بی‌نیازی از دیگران است. تکافل نیز از همین ماده و به معنای کفالت متقابل افراد در تضمین نیازمندی‌های یکدیگر است. «تکافل القوم» یعنی بعضی از مردم تأمین نیازمندی‌های بعضی دیگر را به عهده گرفتند. به لحاظ معنای اصطلاحی، تکافل اجتماعی در ادبیات اقتصاد اسلامی اصطلاح جدیدی است که برای آشکار شدن آن به برخی از تعاریف ارائه شده در کتب اندیشمندان مسلمان اشاره می‌شود.

محمد ابوزهره (۱۹۹۱) می‌نویسد مقصود از تکافل اجتماعی در معنای لفظی این است که همه افراد در پی برآوردن نیازها و انجام دادن کارهای جامعه خود باشند و هر توانای قدرتمندی با به گردن گرفتن کارهای جامعه خویش، برای نیکی رساندن بدان بشتابند. هر نیرویی در اجتماع وجود دارد نخست برای نگهداری سودمندی‌های یکایک افراد و از بین بردن زیان‌ها یک جا به کار افتد و سپس به پاسداری از ساختمان اجتماع، بر پایه زیان‌زدایی و بنیان گذاشتن آن بر شالوده‌هایی راست و درست پردازد.

۱. «ذَالِك مِنْ أَنْبَاءِ الْعَرَبِ تُوجِبُهُ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ» (آل عمران، ۴۴).

۲. «إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ» (طه، ۴۰).

تکافل اجتماعی ایجاب می‌کند نیاز نیازمندی برآورده شود که توانایی انجام کاری ندارند، بیچارگان با چاره شوند، برای توانایان کار تهیه شود، نسل در حال رشد چنان پرورش داده شود که همه آمادگی‌ها و نیروهای نهفته آنان آشکار شود، خردسالانی که تازه به زندگی روی آورده و پدر خود را از دست داده‌اند، سرپرستی شوند، جامعه وظیفه دارد در زندگی کارگرانی که پس از مدت‌ها خدمت و بهره‌رسانی ناتوان شده‌اند در برابر خدمات‌های خود به جامعه در روزگار نیرومندی تسهیلاتی فراهم آورد.

عبدالله ناصح علوان (بی‌تا) می‌نویسد: تکافل اجتماعی یعنی افراد جامعه بدون در نظر گرفتن موقعیت فردی یا اجتماعی و بدون در نظر گرفتن جایگاه مسئولیتی خود پشتیبان یکدیگر و یاور هم باشند. این پشتیبانی می‌تواند در امور ایجابی، مثل مواظبت از ایتمام و یا در امور سلبی، همانند تحریم احتکار باشد. انگیزه این همیاری از اصل اعتقاد به اسلام می‌جوشد تا اینکه فرد بتواند در حمایت جامعه زندگی کند و جامعه بتواند با همیاری افراد به حرکت خویش ادامه دهد و همه افراد برای تشکیل جامعه فاصله با یکدیگر تعاون و همکاری کنند و ضرر را از افراد جامعه دور نمایند.

زاهدی اصل می‌نویسد: تکافل در باب تفاعل، یک امر متقابل و دو طرفه است؛ یعنی مسئولیت‌ها و تکالیفی که اعضای جامعه نسبت به هم دارند؛ یعنی تشریک مساعی و تعاون و معاضدت افراد یک جامعه در جهت برطرف کردن مسائل و گرفتاری‌های فردی و اجتماعی؛ یعنی امداد نیازمندان جامعه و تأمین احتیاجات محتاجان (۱۳۸۷، ص ۸۵-۸۶).

از بررسی سخنان اندیشمندان مسلمان به دست می‌آید که تکافل اجتماعی در مکتب اسلام به تکافل اقتصادی منحصر نیست و شامل حوزه‌های دیگری، مانند تکافل علمی، تکافل سیاسی، تکافل دفاعی، تکافل اخلاقی و... و به‌طور کلی شامل تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی انسان می‌شود (البهی الخولی، ۱۴۰۱، ص ۳۳۶؛ عباس جعفر حاجی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۸۸؛ محمد فاروق التبهان، ۱۹۷۰، ص ۳۸۵-۳۹۷).

شهید صدر رحمته‌الله عنوان تکافل عمومی را به‌کار می‌برد و در تعریف آن می‌نویسد: تکافل عمومی یکی از پایه‌های تأمین اجتماعی است که براساس آن، اسلام کفالت بعضی از مسلمانان را بر بعض دیگر واجب کفایی قرار داده است که باید همانند التزام به سایر واجبات، در حد ظرفیت و امکانات خود به آن اقدام نمایند (۱۳۸۷، ص ۶۹۷).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در بیان استاد ابوزهره تکافل اجتماعی، مشتمل بر تکالیف الزامی و غیرالزامی است و افزون بر تأمین نیازهای معیشتی دیگر نیازهای انسان را نیز شامل می‌شود. اما عبارت شهید صدر صرفاً ناظر بر تأمین نیازهای معیشتی است و تنها تکالیف الزامی را در بر می‌گیرد.

انفاق

انفاق در اصل به معنای مطلق هزینه کردن است؛ ولی غلبه استعمال آن در هزینه‌های در راه خدا باعث شده یک نحو ظهور ثانوی به معنای بخشش در راه خدا برای آن درست شود. این واژه از ریشه «ن ف ق» به معنای کم شدن، نابود شدن، هزینه کردن، مخفی کردن و پوشاندن است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۲). در کاربرد رایج قرآن کریم و متون دینی، انفاق در اصطلاح به اعطای مال یا چیزی دیگر در راه خدا به فقیران و دیگر راه‌های مورد نیاز گفته می‌شود (الجرجانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۵۳). به نوشته راغب، انفاق از آن‌رو به بخشیدن مال اطلاق می‌شود که با بخشش، به ظاهر، مال فنا و زوال می‌یابد (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲ق، ص ۸۱۹).

به نظر برخی واژه‌شناسان، انفاق با اعطا از آن جهت متفاوت است که در انفاق همواره مالکیت شیء انفاق شده منتقل می‌شود؛ ولی در اعطا لزوماً چنین نیست؛ از این‌رو اسناد انفاق را به خداوند مجازی و آن را در آیه «...يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ...» (مانده، ۶۴) به معنای رساندن رزق به بندگان دانسته‌اند (تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۱۵۵). بدین ترتیب، معنای غالب انفاق، هزینه کردن مال فی سبیل الله یا به دیگر سخن، همان مشارکت داوطلبانه مردم در تأمین نیازهای عمومی مانند نیازهای مصرفی اقشار کم درآمد و امور عام‌المنفعه است.

قرآن کریم برای بیان این معنا از مفاهیم دیگری، مانند ایثار، صدقه (شامل وقف)، احسان، زکات^۱ (به معنای اعم) الحق المعلوم، حق الحصاد، قرض الحسنه، اطعام، تعاون و صله رحم نیز استفاده کرده است.

۱. زکات در قرآن کریم مفهومی وسیع‌تر از اصطلاح فقهی آن دارد و شامل هرگونه کمک بلاعوض به نیت تقرب به خدا می‌شود.

ایثار

ایثار در لغت به معنای برگزیدن غرض دیگران بر غرض خویش، مقدم داشتن و مانند آن است (لغت نامه دهخدا). به عبارتی به معنای از خودگذشتگی و ترجیح و برتری دادن به آنچه مطلوب دیگران است. ایثار در اصطلاح بخشش مال به کسی با وجود احتیاج به آن است (نراقی، بی تا، ۲، ص ۱۲۲). در اخلاق اسلامی به معنای گذشت از خود به نفع دیگران است و اینکه درباره چیزهایی که خود به آن نیازمندیم، دیگران را بر خود ترجیح دهیم. نیکی را درنخواهید یافت تا آنگاه که از آنچه دوست می دارید انفاق کنید، و هرچه انفاق می کنید خدا بدان آگاه است (آل عمران، ۹۲).

در قرآن کریم ریشه اثر با صیغه متعدی آمده است؛ ولی معروف ترین آیه در این باب در ساختار فعل مضارع جمع مذکر غایب درباره انصار آمده است؛ آنجا که انصار در عین نیاز و استحقاق، اموالشان را به مهاجران می بخشند. آنها را بر خود مقدم می کنند؛ درحالی که خود بدان محتاج بودند و کسانی که برای آسایش دیگران به نفس خود سخت بگیرند از رستگارانند («... وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»). یکی از علل اهمیت و عظمت ایثار به همین دلیل است که ایثارکننده حتی از سوی شارع مقدس نیز ملزم به این کار نبوده و اجازه ترک آن را دارد و آن عمل را تنها تحت ارزش اخلاقی انجام می دهد (اسکندری، ۱۳۹۱، ص ۶۴).

فصول تحقیق

این کتاب تلاش می کند تا در شش فصل و یک خاتمه به تبیین ساختار و عملکرد نهادهای خیریه بپردازد؛ از این رو در فصل نخست با عنوان «کلیات و مفاهیم» مسئله، اهداف، روش، پیشینه و مفاهیم اساسی تحقیق بررسی می شود. دومین فصل کتاب به ادبیات نظری تحقیق پرداخته است. در این فصل، ابتدا خلاصه ای از روند پیشرفت بخش غیرانتفاعی در سطح بین المللی ارائه می شود. در ادامه، نتایج آزمون تئوری «ریشه اجتماعی بخش غیرانتفاعی» ارائه و چهار نوع مطرح شده در این تئوری، مبتنی بر داده های بخش غیرانتفاعی در ۲۶ کشور جهان تحلیل می شوند و سپس تأثیر حمایت های دولت، مشوق های مالی، و دین بر بخش خیریه در کشورهای مختلف بررسی می شود.